

جوانان کمونیست ۶۸

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سر دبیر: مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

۱۳ دسامبر ۲۰۰۲

۲۲ آذر ۱۳۸۱

جمعه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم

جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان

است.

منصور حکمت



برایی تجمع و اعتراض حق معلمان است. معلمان خواهان آزادی فوری دبیر کل خانه معلمان و پاسخگویی به کلیه مطالبات خود هستند. افزایش حقوق و دریافتی ها، حق مسکن، لغو ۲ ساعت اضافه کاری اجباری زمان جنگ، بیمه درمانی مناسب و نیز حق تشکل و آزادی بیان از جمله خواسته های مهم معلمان است. با حرکت متحد و سراسری معلمان در تمام شهر ها و با به میدان آمدن نیروی میلیونی دانش آموزان و حمایت خانواده هایشان و نیز با پشتیبانی وسیع همه اقشار مردم میتوان مبارزه ای قدرتمند را سازمان داد.

حزب کمونیست کارگری کارگران، دانشجویان و دانش آموزان و همه زنان و مردان آزادیخواه را فرامیخواند تا بطرق مختلف از مطالبات عادلانه معلمان حمایت کنند و در صورتیکه معلمان قادر به برپایی تجمعات اعتراضی شدند با تمام قوا در تجمعات آنها شرکت کنند.

درد بر معلم مبارز!

حزب کمونیست کارگری دو روز پیش در اطلاعیه ای با عنوان "معلمان در تدارک برپایی حرکتی اعتراضی"، اعلام کرد:

معلمان در تدارک برپایی حرکتی اعتراضی هستند. معلمان به طرق مختلف برای تعیین روزی برای برپایی تجمع اعتراضی خود تلاش کرده اند. تحت فشار و خواست معلمان، خانه معلمان طی اطلاعیه ای معلمان را به تجمع در روز ۲۲ آذر فراخوانده است. متعاقب صدور این اطلاعیه دبیر کل خانه معلمان هفته قبل دستگیر شد و هم اکنون در زندان به سر میبرد. حکومت اسلامی اجازه تجمع به معلمان نداده است اما علیرغم این معلمان کماکان قصد برپایی تجمع اعتراضی در روز ۲۲ آذر دارند.

دستگیر شدگان را آزاد کنید! اجتماع در مقابل اوین!

حزب کمونیست کارگری ایران خبر داد: در شب های ۱۹ و ۲۰ آذرماه خانواده دانشجویان و افراد دستگیر شده در اعتراضات اخیر دانشجویان در تهران در ساعت ۱۰/۵ شب در مقابل زندان اوین دست به تجمعی اعتراضی زده و خواهان آزادی فوری وابستگان خود شدند. این حرکت اعتراضی دو ساعت به طول انجامید و طی آن تجمع کنندگان بر روی خواسته های خود پافشاری کردند. سرانجام در ساعت ۱۲ شب نیروهای انتظامی وارد عمل شده و تعدادی از آنها را دستگیر کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران خبر داد: در شب های ۱۹ و ۲۰ آذرماه خانواده دانشجویان و افراد دستگیر شده در اعتراضات اخیر دانشجویان در تهران در ساعت ۱۰/۵ شب در مقابل زندان اوین دست به تجمعی اعتراضی زده و خواهان آزادی فوری وابستگان خود شدند. این حرکت اعتراضی دو ساعت به طول انجامید و طی آن تجمع کنندگان بر روی خواسته های خود پافشاری کردند. سرانجام در ساعت ۱۲ شب نیروهای انتظامی وارد عمل شده و تعدادی از آنها را دستگیر کردند.

کوروش مدرسی: ما و جدالهای فکری ادامه مصاحبه (قسمت سوم) صفحه ۲

سهیلا شریفی: حجاب و فرهنگ، صفحه ۳

مصطفی صابر: جامعه به چپ میچرخد!

نامه های شما صفحه ۳

"آزادی و برابری" این شعاری است که در اجتماعات اخیر دانشجویی بارها شنیده شد، بر در و دیوار نوشته شد، به سربند و بازوبند تبدیل شد. آزادی و برابری شاید عام ترین شکل بیان خواسته ها و امیال و آرزوهای دانشجویان و همه مردمی است که امروز فعالانه تر از هر زمان در صحنه اند و میخواهند از شر جمهوری اسلامی رها شوند و دنیایی شایسته انسان بر جای آن بنشانند. هر قدر که اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی دامنه بیشتری بگیرد، هر قدر که توازن قوا به زیان جمهوری اسلامی و به نفع مردم بیشتر بهم بخورد جبهه آزادی و برابری قوی تر و وسیع تر خواهد شد. "آزادی و برابری" نه شائبه دینی دارد و نه پیرایه های ملی. نگاهش به گذشته نیست، معیارش سنت نیست، خدا و شاه و میهن نیست، مردسالاری و قوم پرستی و نژادپرستی نیست، انسان است. شعار انسانهای آزادیخواه و مدرن است، شعار یک نسل نوین است. طنین قوت گیرنده آن لرزه بر جمهوری اسلامی می اندازد و همه دشمنان مردم را به وحشت فرو میبرد. صفحه ۳

زنده باد آزادی و برابری



رسانه های دانمارک:

تظاهراتی که

زنان سازمان دادند!

جوانان کمونیست: واحد سازمان

جوانان کمونیست در دانمارک در تظاهراتی که اخیرا علیه جمهوری اسلامی برپا شد نقش داشت. راجع به این تظاهرات برای خوانندگان ما بگویید و نقش سازمان جوانان کمونیست.

مریم طاهری: این تظاهرات علیه احکام سنگسار و اعدام و همچنین در حمایت از حرکتی اعتراضی اخیر مردم و دانشجویان برگزار شد و یکی از سازمان دهندگان و برگزار کنندگان آن سازمان جوانان کمونیست بود. جوانان کمونیست ضمن پخش اطلاعیه و حمل پلاکاردهایی از صحنه های اعدام در اماکن عمومی و با تعداد زیادی که شرکت کرده بودند به سهم خود توجه مردم و رسانه های عمومی دانمارک را به این حرکت و تظاهرات جلب کردند. شرکت جوانان در این حرکت چشمگیر بود.

جوانان کمونیست: از این



تظاهرات بعنوان "تظاهراتی که زنان سازمان دادند" (یا چیزی شبیه این)، یاد کردند چرا؟
مریم طاهری: اولاً تعداد زیادی زن شرکت کرده بودند، دوما یکی از سازمان دهندگان اصلی تظاهرات ناهید ریاضی مسئول کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران بود و در ضمن میکروفون شعار مرتباً بین زنان دست به دست میشد، از جمله شیوا فرهمند دبیر سازمان جوانان کمونیست در دانمارک، ابتهام از حزب کمونیست کارگری، نسیم از سازمان جوانان کمونیست و من، که خود همین مثلاً توجه تلویزیون دانمارک را که تمام مسیر همراه ما آمد را خیلی جلب کرده

بود. بد نیست به چند شعار این تظاهرات هم اشاره ای بکنم: مرگ بر جمهوری اسلامی، آزادی برابری سوسیالیسم، حکومت اسلامی اعدام شکنجه سنگسار، اعدام شکنجه سنگسار ملغی باید کرده، کارگر دانشجو میزبند حکومت میلرزد. جوانان کمونیست: راجع به تاثیرات بین المللی این تظاهرات و آثارش بر موضع گیری اتحادیه اروپا چه نظری دارید؟
مریم طاهری: مهمترین اثر بین المللی این حرکت مستقیماً بر اتحادیه اروپا خواهد بود. دانمارک و دوره ریاست اتحادیه اروپا را میگذرانند صفحه ۴

آزادی، برابری حکومت کارگری!

دخالت در جدالهای فکری جامعه

نکاتی دیگر در باره سازماندهی

مصاحبه با کوروش مدرسی (قسمت سوم)



مصطفی صابری: شما از شرکت ما در جدال های فکری جامعه و بویژه در محیط دانشگاهی و محافل جوانان اشاره کردید. این جدال ها فکری کدام اند، در جلسه روی چه نکاتی تاکید شد؟ خود شما فکر میکنید این جدال فکری اکنون روی چه مسائلی گره خورده است؟ چطور باید در این جدال دخالت کرد؟ جایگاه این شریه و خواندگانش چیست؟

کوروش مدرسی: ببینید دانشگاه در کشورهای اختلاف زده، شبیه ایران، به کانون اصلی فعل و انفعال فکری جامعه تبدیل میشود. در کشورهای آنکه آزادی بیان و عقیده و مطبوعات وجود دارد انواع و اقسام کانونهای، نهادها، انجمنها و نشریات کار میکنند که بخش مهمی از فعل و انفعال فکری جامعه در قالب آنها صورت میگیرد. دانشگاه هم یکی از این مراکز است، اما در جامعههای مثل ایران که اختلاف در آن حاکم است، دانشگاه، بدلیل تعریف آن، یعنی جایی که جوانان میروند تا با افکار مختلف آشنا شوند، به تنها جایی تبدیل میشود که میتوان آنرا کانون فعل و انفعال فکری جامعه خواند. علاوه براین برای خود دانشجو، یعنی جوانی که در واقع دارد تازه دنیا را از نظر فکری در سطح عمیقتری سبک و سنگین میکند، ایدههای تازه و مکتبهای فکری جذابیت پیدا میکنند. در چنین اوضاع و احوالی آنچه که بلحاظ فکری در جامعه دست بالا را پیدا میکند عمیقا از دانشگاه تاثیر میپذیرد. متفکرین بیرون دانشگاه هم محیط اصلی تاثیرگذارشان دانشگاه است و خود از آنجا میآیند و از آن تاثیر میگیرند. در نتیجه دانشگاه علاوه بر اهمیت سیاسی امروز آن بلحاظ فکری کانون مهمی است. هر جریان یا مکتب فکری که بخواهد در جامعه تاثیر بگذارد باید دانشگاه و بحثهای فکری مطرح در آن را جدی بگیرد، به آن بپردازد و سعی کند که فضای فکری را تحت تاثیر خود قرار دهد. برای حزب کمونیست کارگری هم این یک عرصه مهم است و باید به آن توجه کند، در بحثها خود را درگیر کند، شبیه خود را تولید کند، یعنی مارکسیست و کمونیست کارگری بسازد و غیره. و سازمان جوانان کمونیست باید در این زمینه فعال تر و جدی تر برخورد کند. باید مسائل، مکتبها و سولات را بشناسد در جواب دادن به آنها و طرف بحث شدن جدیتر از امروز شرکت کند. روشن است که پاسخ دادن به کل این

مسائل تنها کار سازمان جوانان کمونیست نیست. اما سازمان جوانان کمونیست میتواند انرژی حزب را در این راه بکار اندازد و از آن استفاده کند. جلسه به تفصیل در این مورد بحث کرد. در مورد جدال های اصلی فکری در دانشگاه بنظر من اصلی ترین عرصه جدال ما مبارزه با لیبرالیسم بطور کلی، و تبیین لیبرالیستی از مارکسیسم بطور اخص است. دادهای که از مارکسیسم در جامعه ایران، وجود داشت عمیقا تحت تاثیر برداشت روسی یا مانوئیستی از مارکسیسم بود. این به اصطلاح مارکسیسم چه در عرصه فکری و چه عملی شکست خورد. بلوک شرق فروپاشید و به همراه آن سوال اینکه چه شد و چرا آن سیستم شکست خورد؟ انقلاب اکتبر چه جایگاهی داشت؟ لنینیسم چیست؟ اصولا کمونیسم درست است یا نه؟ آیا سوسال دمکراسی حق نداشت؟ آیا سرمایهداری، دوست داشته باشیم یا نه، مبنای پیشرفت نیست؟ و غیره و غیره پیش کشیده شد. سقوط بلوک شرق حتما شکست آن نوع کمونیسم و آن نوع مارکسیسم در مقابل سرمایهداری بود. در این نباید تردید کرد. اما این پیروزی، پیروزی سرمایهداری بر هر ایده برابری طلبانه و انسانی اعلام گردید. حجم عظیمی از ادبیات در این زمینه تولید شد. بقول منصور حکمت به از آن مارکسیست چند ده هزار مارکسیست سابق پیدا شدند که به دفاع از سرمایه داری برخاستند. در ایران این شکست مستقیم و بلاواسطه شکست سیستم حکومتی در مقابل مردم نبود، اما فضای ادبیات به اصطلاح چه قابل انتشار در ایران کاملا تحت سیطره یک تبیین لیبرال چه از مارکسیسم قرار گرفت. بحث در مورد افکار عمومی نیست. بحث در مورد متفکرین و اندیشمندان محیط داخل ایران است. امروز وقتی از کسی که خود را کمونیست میدانند پرسید کمونیسم چیست؟ مجموعه آبی تری از سوسیال دمکراسی را تحویلشان میدهد. پرسید لنینیسم چیست تبیین میدیای فکری غرب را تحویل میگیرید. پرسید دیکتاتوری پرولتاریا چیست استالین را نشانتان میدهند. بگویند انقلاب لازم است یا نه یک تفسیر دست دهم متفکرین بیات شده غرب را برایتان توضیح میدهند. پوپر در غرب از مد افتاده تازه در ایران خواننده پیدا کرده است. در بهترین حالت تبیینهای رزا لوگزامبورگ، تروتسکی و لوکاچ را میبیند. درکنار این البته کمونیسم

مسائل تنها کار سازمان جوانان کمونیست نیست. اما سازمان جوانان کمونیست میتواند انرژی حزب را در این راه بکار اندازد و از آن استفاده کند. جلسه به تفصیل در این مورد بحث کرد. در مورد جدال های اصلی فکری در دانشگاه بنظر من اصلی ترین عرصه جدال ما مبارزه با لیبرالیسم بطور کلی، و تبیین لیبرالیستی از مارکسیسم بطور اخص است. دادهای که از مارکسیسم در جامعه ایران، وجود داشت عمیقا تحت تاثیر برداشت روسی یا مانوئیستی از مارکسیسم بود. این به اصطلاح مارکسیسم چه در عرصه فکری و چه عملی شکست خورد. بلوک شرق فروپاشید و به همراه آن سوال اینکه چه شد و چرا آن سیستم شکست خورد؟ انقلاب اکتبر چه جایگاهی داشت؟ لنینیسم چیست؟ اصولا کمونیسم درست است یا نه؟ آیا سوسال دمکراسی حق نداشت؟ آیا سرمایهداری، دوست داشته باشیم یا نه، مبنای پیشرفت نیست؟ و غیره و غیره پیش کشیده شد. سقوط بلوک شرق حتما شکست آن نوع کمونیسم و آن نوع مارکسیسم در مقابل سرمایهداری بود. در این نباید تردید کرد. اما این پیروزی، پیروزی سرمایهداری بر هر ایده برابری طلبانه و انسانی اعلام گردید. حجم عظیمی از ادبیات در این زمینه تولید شد. بقول منصور حکمت به از آن مارکسیست چند ده هزار مارکسیست سابق پیدا شدند که به دفاع از سرمایه داری برخاستند. در ایران این شکست مستقیم و بلاواسطه شکست سیستم حکومتی در مقابل مردم نبود، اما فضای ادبیات به اصطلاح چه قابل انتشار در ایران کاملا تحت سیطره یک تبیین لیبرال چه از مارکسیسم قرار گرفت. بحث در مورد افکار عمومی نیست. بحث در مورد متفکرین و اندیشمندان محیط داخل ایران است. امروز وقتی از کسی که خود را کمونیست میدانند پرسید کمونیسم چیست؟ مجموعه آبی تری از سوسیال دمکراسی را تحویلشان میدهد. پرسید لنینیسم چیست تبیین میدیای فکری غرب را تحویل میگیرید. پرسید دیکتاتوری پرولتاریا چیست استالین را نشانتان میدهند. بگویند انقلاب لازم است یا نه یک تفسیر دست دهم متفکرین بیات شده غرب را برایتان توضیح میدهند. پوپر در غرب از مد افتاده تازه در ایران خواننده پیدا کرده است. در بهترین حالت تبیینهای رزا لوگزامبورگ، تروتسکی و لوکاچ را میبیند. درکنار این البته کمونیسم

متوسل شود. با تکیه به هر ایده نیمه چپی نمیشود علیه کمونیسم کارگری آژیتهاسیون کرد. در نتیجه مشکلات قطعاً هست اما در مورد مشخص ایران بنظر من نقطه قدرتهائی وجود دارد که شاید در کشورهای دیگر نیست. همین یکی از فاکتورهائی است که مساله قدرت گیری کمونیسم کارگری در ایران را مقدور کرده است. در این رابطه از خوانندگان شما دعوت میکنم که به بحث منصور حکمت در انجمن مارکس تحت عنوان "آیا کمونیسم در ایران میتواند پیروز شود؟" مراجعه کنید که به تفصیل به این مساله پرداخته است.

مصطفی صابری: اجازه بدهید باز کمی به مساله سازماندهی برگردیم. بنظر شما در شرایط فعلی دانشگاه، فعالیت سازماندهی چگونه باید باشد؟ ایجاد تشکل های وسیع و توده ای چگونه ممکن است؟ برای تامین یک رهبری پر نفوذ و ادامه کار چه باید کرد؟ سازمان جوان کمونیست چه نقشی میتواند ایفاء کند؟

کوروش مدرسی: وقتی از تشکل توده ای وسیع صحبت میکنید قاعدتا منظور تشکل سیاسی و چه است. وگر نه تشکل صنفی نه توده ای میشود و نه امروز صورت مساله کسی است. و تشکل غیر چه هم که داریم. مثلا دفتر تحکیم وحدت. پس بحث درباره تشکل وسیع و توده ای چه است. اما ایجاد تشکل وسیع توده ای چه و کمونیستی تنها بستگی به داشتن چنین ایده ای ندارد. مساله مهم دیگر تناسب قوا است. برای ایجاد چنین تشکلی، برای اینکه توده ای شود باید تناسب قوای خاصی میان دولت و مردم برقرار شده باشد. دولت نتواند چنین تشکلی را سرکوب کند و آن تشکل هم بتواند در مقابل تعرض دولت از خود دفاع کند. اما مساله سیاه و سفید کامل هم نیست. اولاً تناسب قوا مرتبا تغییر میکند. هر مبارزهی پیروزی این تناسب قوا را بیشتر تغییر میدهد و از طرف دیگر انواع تشکلهای، نه خیلی توده ای، در پوششهای مختلف با میتوان ایجاد کرد. هدف مقصد باید درست کردن تشکل وسیع توده ای چه باشد. اما باید برای آن کار کرد و با برنامه پیش رفت. همانقدر که عقب ماندن از واقعیات مضر است، جلو زدن از واقعیات هم مهلک است. این کار رهبران و فعالین کمونیست است که شرایط ایجاد چنین تشکلی را فراهم کنند. برای تامین رهبری پرنفوذ هم باید این رهبری را شکل داد. باید شبکههای رهبران و فعالین کمونیست در دانشگاه فشرده تر شوند، هماهنگتر عمل کنند و خودشان را رهبر مبارزه کل دانشجویان بکنند. تجربه تاکتونی به نظر من خیلی دلگرم کننده است. رهبران چه و کمونیست در دور اخیر مبارزات کاردانی و تدبیر زیادی از خودشان نشان دادند. اما باید بلحاظ فکری روشن تر شد و بلحاظ عملی با

حزب کمونیست کارگری تماس فشردهتری را برقرار کرد. تماس با حزب کمونیست کارگری یکی از کانالهای مهم هماهنگ شدن، هم خط شدن و ارتباط است. حزب کمونیست کارگری کانالی است که میتواند از مشهد تا سنج و از جلفا تا بندرعباس را بهم متصل نگاه دارد. حرف من این است. فشردهتر شوید، سیاستها را روشن تر کنید، رهبر توده وسیع دانشجویان شوید، مواظب چه و راست زدن باشید و با حزب کمونیست کارگری یا با سازمان جوانان کمونیست تماس بگیرید. این بهترین راه پیشرفت است.

مصطفی صابری: شما در صحبت هایتان بر دو عرصه اصلی دست گذاشتید: دانشگاه و محله. اینرا کمی توضیح دهید. مدارس و بخصوص دبیرستانها چه؟ اما همانطور که خودتان هم پیشتر اشاره کردید، گویا در جلسه بیشتر روی اهمیت نقش محلات (علاوه بر دانشگاه) صحبت کردید، چرا؟

کوروش مدرسی: وقتی در مورد جوانان صحبت میکنید باید توجه داشته باشید که یکی از کانونهای تجمع جوانان محل زندگی آنها و محلات شهر است. فضای هر محله بی تردید از حال و هوا و فضای به اصطلاح "بچه های محل" تاثیر میگیرد. اینکه در آن محل چه اتفاقی می افتد، چه چیز تحمل میشود و چه چیز نمیشود بستگی زیادی به این "برو بچه های محل" دارد. جوانان در این محیط با هم رفاقتهایشان شکل میگیرد با هم در ارتباط نزدیک قرار میگیرند، تیم فوتبال و کلوب تاتر و غیره و غیره درست میکنند و بخواهند یا نه به فضای آن محل رنگ و بوی خودشان را میزنند. اگر بچه های کمونیست محل برای ارتجاع چه فرهنگی و چه سیاسی تنگ میشود. محله سنگری است که در فتح آن جوانان محل نقش مهمی دارند. برای حزب کمونیست کارگری چه از نظر سیاسی و در جدال با جمهوری اسلامی و چه از نظر فکری و جنبشی درگیر شدن در این عرصه حیاتی است. باید اشکال مختلف و متنوع سازمان یابی طبیعی در محل را بکار گرفت. باید سعی کرد هر تجمع جوانان در محله را زیر چتر عمومی سیاسی، فکری و فرهنگی کمونیستی در آورد. این کار پیش از هرکس دست سازمان جوانان کمونیست و کمونیستهای محل را میبوسد. در مورد مدارس و دبیرستانها باید به توجه کرد که بخش مهمی از مدارس و دبیرستانها جزئی از حیات اجتماعی در محله هستند. میدانم دبیرستانها و مدارس هستند که فرا محلهای هستند اما همانطور که گفتم دبیرستان و مدارس جزئی از محله هستند و میتوان در این چارچوب به آنها پرداخت.

ادامه دارد



سهیلا شریفی:

حجاب و فرهنگ

جمله تاثیرات فرهنگ اسلامی و حجاب است. حجاب یک روش زندگی است، نوعی رفتار و بیانگر توقعات جامعه از زن و جنسیت وی است. روسری و مقنعه و بورقه تنها اشکال ظاهری حجاب هستند. بهرآه آن یک نوع روانشناسی رشد میکند که بر تمامی لحظات زندگی زن، بر حرکاتش و بر نوع حرف زدنش و راه رفتنش هم تاثیر میگذارد. در مقایسه با دختران جوان معمولی که مجبور نیستند حجاب بر سر کنند و در فضائی آزادتر زندگی کرده اند، دخترانی که از بچگی حجاب بر سر داشته اند معمولاً محجوبتر و کم اعتماد بنفس ترند. سعی میکنند از نگاه مستقیم به افراد پرهیزند و اکثراً با لحن آرامتری صحبت میکنند. نوعی نگرانی و ترس دختر جوان را مرتباً تعقیب میکند. از زورویی، صحبت کردن و ارتباط با مردان می هراسد و در امکان عمومی دست و پای خود را کم میکند. این ترس و نگرانی باضافه محدودیتهائی که خانواده ها جلوی پای دخترانشان میگذارند، باعث میشود که دختر بیشتر در خانه ماند و از بیرون رفتن و کسب تجربه محروم بماند. در نتیجه در مقایسه با مردان که از دوران کودکی در بیرون از خانه با زندگی روبرو میشوند، زنان بی تجربه تر بوده و در موقعیتهای ضعیفتر و وابسته به مردان نگه داشته میشوند.

تاثیرات جسمی حجاب

حجاب بخاطر پوشاندن زیباییهای زن است و این معنی آن است که سینه ها باید تا حد امکان پوشیده باشند. به همین دلیل دختران جوان از جلو دادن سینه ها و راست نگه داشتن کمر خودداری میکنند و این به مرور باعث خیدگی کمر و جلو آمدن شانه ها میشود. هنگام راه رفتن چون دختر جوان اجازه ندارد سر بلند کرده و آژادانه اطراف را نگاه کند (سرزیری و حجب ایجاب میکند) سر و گردن بطور ناخودآگاه به جلو متمایل شده و خیدگی را بیشتر میکند. در قطار و اماکن عمومی شلوغ این دختران عمدتاً ناراحت و ناآرام هستند و خود را بشدت جمع کرده و در گوشه ای کر میکنند. حجاب لباسی دست و پاگیر است و کودک را از جست و خیز باز میدارد و به مرور وی را از بازیهای جسمی و ورزشی متحرک دور میکند، که بر روی رشد جسمی و سلامت روحی او تاثیر منفی داشته و وی را در معرض بیماری و فرسودگی زودرس قرار میدهد. روسری و مقنعه مانع رسیدن آفتاب و هوای آزاد به پوست سر شده و موجب خارش و ریزش مو میشوند. از آن گذشته باعث کشیده شدن موی سر و عرق کردن مداوم میشود که آرامش را از کودکان سلب میکند.

کودکی که هر حرکت سر باعث کشیده شدن موهایش میشود و دوییدن و عرق کردن برایش شکنجه است بهرور از بازی و شیطنت کودکانه فاصله میگیرد، افسرده و خسته میشود و از شادیهای معمولی کودکان محروم میماند. این در سالهای جوانی و بزرگسالی هم تاثیرات روحی مخربی برجای میگذارد. خنده که از نیازهای انسان برای سلامتی روحی و جسمی است در قانون اسلام برلی زن نامناسب و ممنوع است. صلی خنده دختران جوان باید در سینه ها حبس شود تا مبادا قند در دل کسی آب شده و گناهان جامعه گسترش پیدا کنند. افسردگیهای روحی، بیماریهای عصبی، پیری زودرس و عصبانیت و تندمزاجی در میان زنان جوان اسلام زده و خانواده های اسلامی بسیار رایج هستند. آمار خودکشی و خودسوزی در میان دختران و زنان جوان حتی به اعتراف

رسانه های دولتی جمهوری اسلامی بسیار بالا هستند.

حجاب و روابط جنسی

تا آنجا که به رابطه زن و مرد و احساسات جنسی برمیگردد هم حجاب و فرهنگ اسلامی قشعی مضر و غیر انسانی دارد. دختر جوان از همان سنین کودکی از هیولای سکس ترسانده میشود. حجاب بر سر او میکند تا بقل خودشان وی را از گردن تجاوز محفوظ دارند. به او مرتباً یادآوری میشود که خود را بیوشانند تا مردان را تحریک نکند. سکس بعنوان گناه و زشتی و منشا خشونت در ذهن کودک جا میگیرد و از لذتهای آن برای زنان هیچ گاه سخنی بیان نمیآید. لذت جنسی در مذهب اسلام منحصر به مردان است و زنان در این رابطه تنها انجام وظیفه میکنند. در نتیجه دختر جوان باید یاد بگیرد اگر هم احساسی در وجودش مانند آژرا سرکوب کند، عفت و پاکدامنی خود را حفظ کند و خود را و زیباییهایش را تنها در برابر شوهرش (مالکش) و آهم هر وقت او خواست نمایان کند. زنان جوانی که بندرت از روابط جنسیشان لذت میبرند و نیازهای جنسیشان کاملاً نادیده گرفته میشود، معمولاً دچار سرخوردگی، یاس، عصبانیت و دردهای کمر و شکم میشوند. خیلی زود هر نوع احساس جنسی که در وجودشان مانند از بین میروند و علاقه ای به همبستری نشان نمیدهند و تلاش میکنند به بهانه بچه داری و مسئولیتهای خانه داری خود را هر چه زودتر از سکس بازنشسته کنند.

یکی از دلایلی که در توجیه چند همسری مکرراً توسط علمای اسلامی بر آن تاکید میشود این است که بخاطر بچه داری و چونکه زنان زودتر از مردان پیر میشوند و نمیتوانند نیازهای جنسی مرد را برآورده کنند، مرد نیاز دارد همسر دوم و چندم بگیرد. این البته یک استدلال ارتجاعی و ضد زن است اما بر یک واقعیت اشاره دارد و آن این است که به دلایلی که بالا به آنها اشاره شد سن متوسط زندگی فعال سکسی زن در خانواده های اسلامی به نسبت زنان غربی بسیار پایینتر است.

ضرورت اناء حجاب اجباری

علیرغم تلاش حکومتی اسلامی و علیرغم سابقه تاریخی و دیرینه بودن این سنت، حجاب اسلامی هیچگاه از طرف خیل وسیع زنان آگاهانه انتخاب و بعنوان نوعی از پوشش و روش زندگی پذیرفته نشده است. همیشه در تمام ادوار تاریخ جوامع مسلمان زنان زیور و تحت فشارهای اخلاقی و سنتی خانواده ها و جامعه وادار به پوشیدن حجاب شده اند. شاید نیاز انسان به شادی و زیبایی و رقص و آواز است که باعث مقاومت در مقابل چنین سختگیریها و قوانین ارتجاعی میشود، شاید نیروی زندگی و طبیعت است که در مقابل این سنت غیر انسانی و متعجر ایستادگی کرده است. اما چیزی که بر همه عیان است این است که هیچ دختر جوانی به میل و اراده خودش حاضر به پوشیدن حجاب اسلامی و تن دادن به پردگی جسمی و جنسی نخواهد بود.

سألهای سیاه حکومت اسلامی در ایران، اسید پاشیدنها، زنان، شکنجه، توهین و شلاق نه تنها نتوانسته زنان ایران را به پذیرش حجاب اسلامی وادار، بلکه به مرور زمان جمهوری اسلامی را به شکست کشانده و هر روز وی را وادار به عقب نشینی نموده است. در بیست و چند سال گذشته این رژیم میلیاردها دلار پول خرج تبلیغات برای قانع کردن زنان در

صفحه ۸

زنده باد آزادی و برابری

اما واقعا آزادی و برابری به چه معنی است؟ میتوان تعابیر مختلف از آزادی و برابری داشت. اما باید توجه داشت که "آزادی و برابری" شعار کارگران انقلابی و کمونیستها بوده است. بگذارید معنی آنرا از زبان مدافعین و مطرح کنندگان اصیل آن بشنویم. تا آنجا که من میدانم در عرصه سیاست معاصر ایران این منصور حکمت بود که برای اولین بار در مقاله "آزادی، برابری، حکومت کارگری" (پائیز ۶۳) سوال فوق را پاسخ روشنی داد، آزادی و برابری را تعریف کرد، آنها را به مثابه اجزاء یک شعار معین و با هویت ویژه وارد ادبیات سیاسی کرد. او بعدها این تعابیر را در "یک دنیای بهتر" (برنامه حزب کمونیست کارگری) تدقیق کرد و بسط داد.

"آزادی و برابری" صرفاً در برابر جمهوری اسلامی مطرح نمی شود. بلکه شعاری است علیه کلیه اوضاع حاضر، علیه پردگی مزدی و سرنوشت غیر قابل قبولی که سرمایه داری معاصر در برابر بشریت قرار داده است. منظور از آزادی فقط آزادی های سیاسی نیست. فقط آزادی بی قید و شرط سیاسی، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده، اعتصاب و تشکل و اجتماع نیست. بلکه بقول منصور حکمت آزادی "یعنی رهایی کامل از قدرت و حاکمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی سرمایه و سرمایه داری، یعنی رهایی از کلیه روابط، مناسبات و نهادهای اسارت آور و سرکوبگر جامعه بورژوازی، یعنی رهایی از چنگال پردگی مزدی، رهایی از انقیاد طبقاتی، رهایی از سرکوب ماشین دولتی بورژوازی، رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از بیله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب جامعه بورژوازی." این یعنی آزادی بفقومی بسیار وسیع، یعنی آزادی به معنی واقعی کلمه. این آزادی بسیار فراتر از آزادی به مفهوم لیبرالی و که پایه اش آزادی در مالکیت، آزادی فرد در خرید و فروش و در نتیجه استثمار انسان از انسان است، می باشد.

و منظور از "برابری" نیز بسیار عمیق و همه جانبه است. برابری، باز بقول منصور حکمت: "یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری در

امکانات مادی، در دسترسی به ابزارهای ارتقا و شکفتن استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداره جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فاتح آملن بر هر عقب ماندگی و کمبود. برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن پردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای سهم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود." این برابری فی الواقع در کمونیسم متحقق میشود. جامعه ای که تک تک آحاد آن داوطلبانه و به رغبت خود در فعالیت اجتماعی سهم اند، تناقض بین تمایلات فرد و نیازهای جامعه از بین میروند، همه ابزارها و امکانات تولید اجتماعی در مالکیت عمومی است و برای اولین بار چنان امکاناتی فراهم می آید که انسانها فراتر و بی سابقه تر از هر زمانی امکان استفاده شخصی از نعمات کار اجتماعی را بدست می آورند. جامعه ای که شعار آن از هر کس به اندازه نیازش" را متحقق میکند.

اما ضامن و وسیله تحقق این آزادی و برابری، حکومت کارگری است. جمهوری شورایی که در آن توده وسیع مردم و در پیشاپیش آنها کارگران بصورت دولت متشکل میشوند. این دیگر دولت بفقومی است که تا کنون شناخته آیم نخواهد بود. این دیگر نیروی خارج از جامعه و بر علیه مردم نیست. دولت، قدرت سیاسی مستقیماً دست خود مردم است و هر آن که اراده کند می تواند نمایندگان منتخب خود را عزل کند. این دولتی است که مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و مبادله را برقرار میکند و تلاشها و مقاومت استثمارگران برای بازگرداندن بهره کنی انسان از انسان را خنثی میکند. این جمهوری سوسیالیستی است که برنامه کار آن آزادی و برابری است، تمام محتوای آن برقراری آزادی و برابری و دفاع از آن است. و به هر اندازه که آزادی و برابری را متحقق کند، دیگر ضرورت وجودی خود را نیز نفی میکند. در جامعه کمونیستی، در جامعه ای که استثمار ورافتاده، طبقات از بین رفته اند، دولت بفقومی که ما میشناسیم از بین خواهد رفت. آزادی و برابری به معنای واقعی حاکم خواهد بود.

مصحفی صابر ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲

و سندیچ این عزم زنان و جنبش برابری طللی در ایران را به روشنی نشان داد. تنها راه گریز از زلزلن سیاه حجاب اجباری که میلیونها زن در آن اسیرند، سرنگون کردن حکومتی اسلامی و به عقب راندن اسلام سیاسی در سراسر دنیا است. لغو حجاب اجباری و هزوع حجبی برلی کودکان زیر ۱۶ سال باید از خواستها و مطالبات اصلی جنبش زنان در کشورهای اسلامزده باشد.

پوشیدن چادر و مقنعه و سازمان دادن نیروهای سرکوبگر تارالله و نهی از متکر کرده است. زنان ایرانی هرروز با علم به اینکه ماتیک زن و آرایش کردن خلاف قانون است و ممکن است آنها را دچار درسر کند از این قانون سرپیچی کرده اند و هر روز از روز پیش حجابها را بیشتر عقب برده اند تا به سران جمهوری اسلامی نشان دهند که زن بر قوانین قرین وسطی آنها نخواهند رفت. ۸ مارس پارسال و امسال و سوزاندن و پرت کردن حجابها در خیابانهای تهران و مشهد

نظر شما درباره تعداد صفحات نشریه به دستمان رسید. ممنون و بازهم برایمان بنویس.

- دوست عزیز مسعود حمیدی، با تشکر از اظهار نظرتان درباره تعداد صفحات نشریه و مقاله زیبایی که برایمان فرستادی. در انتظار نامه‌های دیگری هستیم.

- دوست عزیز بسیار امید حدیثی، نامه‌ات درباره تعداد صفحات نشریه به دستمان رسید. ممنون و بازهم برایمان بنویس.

- دوست عزیز مراد شیخی، نامه‌ات به مصطفی صابر به دستمان رسید، باتشکر از اظهار لطف. بازهم برایمان بنویس.

- پیمان عزیز از ایران، نامه‌ات به دستمان رسید. نشریات را برایت ارسال خواهیم کرد. نامه‌هاگانه‌ای برایت ارسال میشود. باز هم برایمان بنویس

**برای یک دنیای بهتر
برنامه تلویزیونی علی جولای
از طریق ماهواره، کانال ۱
سه شنبه ۲۰:۰۶ عصر بوقت تهران**

**طول موج جدید
رادیو انترناسیونال**

به اطلاع میرسانیم که برنامه های رادیو انترناسیونال، از روز ۴ آبان برابر با ۲۷ اکتبر، روی طول موج زمستانی ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش میشود.

همینطور ساعت پخش رادیو، مجددا ساعت ۹ شب به وقت تهران خواهد بود.

Payamgir radio:
+46 8 659 07 55
Tel: +44 771 461 1099
& +46 70 765 63 62
Fax: +44 870 129 68 58
radio7520@yahoo.com
www.radio-
international.org

نامه های شما

برایمان نظرات و پیشنهادهاتتان را بنویسید. هیچ نامه‌ای بی‌جواب نخواهد ماند. برای ارتباط با من میتوانید از آدرسها و شماره‌تلفنهایی که در این نشریه آمده است استفاده کنید.

بهرام مدرسی

نامه‌های رسیده طی هفته‌گذشته - دوست بسیار عزیز احمد از قائم شهر، ممنون از تماس. حتما گزارش اعتراض کارگران و مردم برای قطع نفت و گاز را برایمان بفرست. من مشتاقانه در انتظار نامه‌ات هستم و از طرف من به تمام دوستان سلام برسان.

- دوست عزیزمراد شیخی از دانمارک، باتشکر از تبریکتان به مصطفی صابر. بازهم برایمان بنویسید.

- کمند عزیز از ترکیه نامه‌ات به مصطفی صابر به دستمان رسید. ممنون از پیشنهادهات حتما از آنها استفاده خواهیم کرد.

- دوست عزیز نیما کافی، پیشنهاد شما مبنی بر هفته‌ای ۸ صفحه کردن نشریه به دستمان رسید. ممنون از توجهتان. ما هم قصد داریم که آثار منصور حکمت را منظم منتشر کنیم. بیشتر برایمان بنویسید.

- نرسی عزیزم سلام، نوشته بسیار جالبی را که فرستاده بودی به دستمان رسید. حتما این دوست را قانع کن که با ما تماس بگیرد. جای چنین کسانی، انسانهایی که انسانیتشان و ارزش زندگی‌شان را از جمهوری اسلامی می‌خواهند بگیرند در سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری ایران است. باز هم برایمان بنویس.

- دوست عزیز حامد راد، گزارش بسیار خوب شما از اعتراضات دانشجویان در روز ۱۸ آذر به دستمان رسید. ممنون. ارسال سریع چنین گزارشات مفصلی به ما کمک بسیار زیادی میکند. حتما سعی کن که ارسال چنین گزارشات خوبی را کماکان ادامه دهی. نامدیگرت به ثریا شهابی هم به دستمان رسید و یکبار دیگر از طرف ثریا ممنون برای لطف.

- دوست عزیز بهزاد حامدی، اظهار

از صفحه ۱ گفتگو با مریم طاهری

وزیر خارجه دانمارک، مسئول روابط خارجه این اتحادیه است. همزمان با پخش گزارش تظاهرات ما از اخبار سراسری دانمارک، با وزیر خارجه این کشور مصاحبه ای به عمل آمد و او در جواب به این سؤال که شما در جواب به این اعتراضات علیه جمهوری اسلامی چه واکنشی نشان خواهید داد، گفت از این به بعد تمام مذاکراتمان با جمهوری اسلامی را مشروط به رعایت حقوق بشر در ایران خواهیم کرد. این برای ما پیروزی بزرگی است به خصوص که در همین چند روز آینده اتحادیه اروپا در دانمارک اجلاس سراسری خواهد داشت و این مسائل در آنجا به بحث گذاشته خواهد شد. اگر واقعا ادامه ارتباط با جمهوری اسلامی منوط به رعایت حقوق بشر در ایران باشد، قطع هر گونه روابط دیپلماتیک اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی است برآورده خواهد شد، چون همانطور که همه میدانند جمهوری اسلامی و رعایت حقوق بشر دو مقوله از دو کره متفاوتند.

جوانان کمونیست: شما بعنوان دبیر تشکیلات خارج از کشور جوانان کمونیست، چه برنامه هایی برای جلب حمایت از دانشجویان و مبارزات مردم ایران دارید؟

مریم طاهری: سازماندهی و شرکت در تظاهرات مشابه دانمارک و همینطور کمپین جلب حمایت از حرکت دانشجویان در میان سازمانها و تشکیلات دانشجویی، و تلاش برای اینکه نامه های اعتراضی از طرف این سازمانها به تعداد هر چه بیشتر به دفتر ریاست جمهوری ایران فرستاده شود جزء برنامه کاری ای است که ما در این مقطع پیش روی خود گذاشته ایم. تا الان هم حمایتی متعددی از این تشکلهای در آلمان، سوئد و دانمارک به دست ما رسیده است.

نقش زنان و دختران بسیار چشمگیر بود. بقول دوستی ترکیب "پلر و دخترها" و "مادر و پسرها" در جمعیت کاملا مشهود بود. نشانه های از تحرک کارگران در حوالی این روز و خود این روز (در برابر وزارت کار) دیده شد. معلمان تحرک هایی برای باز به میدان آمدن نشان دادند.

سرعت گرفتن ابراز تمایل به چپ و کمونیسم و گسترش آشکار هواداری نسبت به سوسیالیسم، مارکس و منصور حکمت در بین دانشجویان کاملا محسوس است، نه فقط بخاطر تماسهایی که با حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست و سازمان آزادی زن (که تنها دو سه هفته پیش بیاپه آن منتشر شد و روز شنبه ۲۳ آذر تالسیس میشود) گرفته میشود، بلکه با اندکی دقت در سخنان سران رژیم از هر دو جناح، از وحشتشان که "دیگر دوره جناح ها تمام شد" نیز میتوان فهمید که نسیم دیگری در ایران میوزد.

راه پیشروی بیشتر در این است که فضا و شرایطی را به رژیم تحمیل کرد که امکان فعالیت سیاسی توده های وسیع، تظاهرات و راهپیمایی، توزیع ادبیات چپ و کمونیستی کم خطرتر و ممکن تر بشود. باید برای شرایطی تدارک دید که بتوان تظاهرات های میلیونی با شعارهای چپ را پرا کرد. باید شیوه های کنونی رژیم را به بن بست کامل کشاند. باید نیروی بیشتر و بیشتری به میدان آورد و توازن قوا را به زیان جمهوری اسلامی بهم زد. بویژه معلمان، کارگران اگر به میدان بیایند میتوانند وضع را سرعت تغییر دهند.

اعتراض دانشجویان در تحولات اخیر محوری بود. در جریان انقلاب ۵۷ و سرنگونی سلطنت، دانشگاه "سنگر آزادی" لقب گرفته بود. اینبار دانشگاه میتواند لقب "سنگر آزادی و برابری" را دریافت کند. این نقشی است که دانشجویان کمونیست باید به آن بطور جدی توجه کنند. تبیل دانشگاه به سنگری برای سوسیالیسم، علاوه بر آنکه کمونیستها باید نشان بدهند قابل ترین، سنجیده ترین و باهوش ترین رهبران اعتراض دانشجویی و پیشتاز مبارزه ای قاطع و آشتی ناپذیر با جمهوری اسلامی اند، در عین حال به معنی اینست که دانشگاه به مرکزی برای اشاعه ادبیات کمونیستی و انتشار شعارهای چپ افق کمونیسم کارگری در سطح جامعه و بویژه پایه اجتماعی آن، طبقه کارگر، تبدیل شود.



مصطفی صابر:

جامعه به چپ میچرخد!

اگر بخواهیم ارزیابی فشرده ای از تحولات چند هفته اخیر، بویژه اوج آن شنبه ۱۶ آذر، بدیم اینست که جامعه بسرعت بیشتر به چپ میچرخد. چه در شعارها و چه در شیوه ها و چه در رابطه با نیروهای سیاسی در صحنه. حرکات ۱۶ آذر را دیگر حتی جادوگران بی بی سی هم نمی توانند در چهارچوب دوم خرداد و دفاع از این جناح و علیه آن جناح تعریف کنند. شعارها علنا علیه کل حکومت بود. نه فقط این، شعارها چپ بود. شعارهای راست (و منظوم مشخصا سلطنت طلبان، ملیون، دوم خردادی های خارج از حکومت است) از قبیل "رفرانم" و "نیروی انتظامی حمایت" و امثال اینها جای خیلی کمی داشت. فریاد اصلی "زنانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، و سرنگونی خواهی بی قید و شرط و رادیکال بود.

در شیوه ها نیز مردم بسیار رادیکال بودند. با دست خالی با پلیس و لباس شخصی ها می جنگیدند و نشان میدادند که برای عمل مستقیم و بلاواسطه خود، برای دخالت مستقیم و سرنگونی رژیم اسلامی آماده میشوند و آمادگی روحی برای قیام نشان میدهند. آنها مصر بودند که علیه رجم باتوم و اسپره و زنجیر و دستگیری، تظاهرات کنند و این کار را کردند. این فقط به تهران محدود نبود. در چندین شهر بزرگ وقایع مشابهی رخ داد. (به گزارشهای متعدد حزب کمونیست کارگری در سایت روزنه رجوع کنید.)

نیروی ۱۶ آذر فقط دانشجویان نبودند. توده های وسیع مردم به خیابان آمده بودند.

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان

حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

javanane-komunist@web.de

www.jawanan.org

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.childrenfirstinternational.org

org

از این سایت ها دیدن کنید:

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045-51802610

0044 776 110 66 83

00491711547661

0046736508040

001 416 69 80 358

0090552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

001- 416 434 15 45

fax:001 416 434 1545

javanane-komunis@web.de

شیوا فرمند

سرور ملانکه

امید چوری

آزاد خدری

مهدی شهابی

.....

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی

بهرام مدرسی

مشاور دبیر:

ثریا شهابی

.....

آدرس پستی:

Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!